

بازکردن گنجینه عشق

(این نوشتار به وحی الهی است)

آنچه را که ما پروردگار گنجینهٔ عشق میدانیم چیزی جز قلب شهریار ولی نیست و این فرزند در حالتی ست که برای باز شدن این گنجینه ساعاتی بیش باقی نیست. عشقی که در قلب شهریارمان موج میزند از عشقهای زمینی و گذرا نیست بلکه رطلی ست گران که همهٔ کروبیان را از خود سیراب میسازد. از محمد و علی گرفته تا عیسی پیامبر و هر آنکه در گذشتهٔ عالم نقش هدایت بشریت را بر عهده داشته همه مریدگونه در رکاب شهریار ولی گام میزنند و هر گاه تشنگی روحانی از حد درگذرد با خاکساری به محضر فرزند میایند تا جامهای عشق را دوباره پر و لبریز سازند. اینکار البته باید باذن ما صورت پذیرد و برای اینکه شهریار ما در اینجا آسوده باشد خلقتی را در قاب قوسین قرار دادیم که شهریارسان نام دارد و نوشتاری جداگانه را بخود اختصاص داده است. قاب قوسین موضع فرشتگانی ست که کاری جز ستایش شهریار ولی نداشته و ندارند. از این گذشته کروبیانی که برای عشق حق تشنگی میکنند میتوانند به محضر شهریار سان رفته وجود خود را سیراب سازند. تعداد اندکی از آنان هنوز اذن میابند که مستقیماً بمحضر شهریار ولی در اینجا آمده نیت خود را حاصل کنند. علت این محدودیت اینست که جز فرشتگانی که مرتب بدینجا رفت و آمد دارند آمدن بی خبر کروبیانی از رده های بالاتر را جایز نمیشماریم. هر گاه این آمدنها از حدی فراتر رود آسایش شهریار ما دچار اختلال گشته از انجام کارهای روزانه باز میماند. شهریار ولی اینک در منزل بسر میبرد و آخرین کارهای پیش از ظهور را صورت میدهد. مردم ایران اینروزها در حسی بی بسی میبرند که آمدن امامی والا را از دل و جان آرزو دارند. ما به این آرزو که با دعاها و استغاثه های بیشمار توأم بوده پاسخی بسزا داده شهریارمان را برای نجات شما ملت به ظهور میخوانیم. عشق شهریار ولی اکسیری ست که در گنجینهٔ سینه اش تا کنون محفوظ بوده و فردا روزی ست که این گنجینه برای خلقهای عالم گشوده میشود. عالم اینرا بداند...